نقش آموزش عالی فرامرزی در پویایی و مهاجرت نیروی انسانی متخصص[1]

نعمت اله عزیزی[2]

پرستو علیخانی[3]

شیرکوه محمدی[4]

تاریخ دریافت:۱۳۹۳/۰٤/۳۰

تاریخ پذیرش:۱۳۹٤/۰۵/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، دریافت و فهم تجارب اساتید از تحصیل در کشورهای خارجی است؛ اینکه چه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی آن‌ها را به ماندن، ترغیب می‌نمود. تا بر این اساس، عوامل دافعه در کشور مبدأ نیز که موجب مهاجرت آن‌ها می‌شود، شناسایی گردد. به‌منظور نیل به این هدف، از رویکرد کیفی مبتنی بر مطالعه پدیدارشناسانه با اساتید دانشگاه کردستان استفاده شد که از این جامعه، ۷ استاد دانشگاه، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند (دارای تحصیلات خارجه) انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها نیز از مصاحبه عمیق و برای تحلیل آن‌ها از روش تحلیل تم مبتنی بر کدگذاری باز استفاده شد که درمجموع ٤ تم یا طبقه کلی که دربردارنده ۱۳ مقوله فرعی‌تر بود استخراج شد. یافته‌ها نشان داد آنچه موجبات مهاجرت را فراهم می‌آورد: نبود بسترهای تحقیقاتی، تنش‌های سیاسی، استانداردهای اقتصادی، و جوّ سازمانی است. با استناد بر تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تعهدات و تعلقات اجتماعی (تعهدات اخلاقی به خانواده و دوستان، حس میهن‌پرستی)، مشخصه‌های فرهنگی و جمعیتی کشور میزبان (تنوع نژادی و بعضاً نژادپرستی

---

[1]. این مقاله نتیجه پژوهش بررسی دیدگاه اساتید تحصیل‌کرده خارج از کشور در ارتباط با علل موثر بر عدم مراجعت دانش آموختگان به کشور (نقش آموزش عالی فرامرزی در مهاجرت متخصصان به خارج از کشور)در سال ۱۳۹۲ است .

[2]. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان، نویسنده مسئول.

[3]. دانشجوی دکترای فناوری اطلاع‌رسانی در آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی.

[4]. دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه تهران.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

به دلیل سابقه‌ی طولانی مهاجرپذیری آن‌ها)؛ و علایق فردی (رضایت درونی) عواملی بودند که تصمیم به بازگشت را در آن‌ها ایجاد می‌نمود. بنابراین، فراهم کردن بستر مناسب برای تحکیم پیوندهای علمی و دانشگاهی و از انزوا خارج کردن مؤسسات دانشگاهی کشور، تسهیل روند مهاجرت ایرانیان متخصص مقیم خارج از کشور به داخل کشور و تحلیل عمیق و مستمر نیازها و نظرات استادان و متخصصان می‌تواند در راستای کند کردن مهاجرت و معکوس کردن روند آن بسیار کارگشا باشد.

واژگان کلیدی:

آموزش عالی فرامرزی، کیفیت آموزش، جریان‌های انتقالی، فرار مغزها.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مقدمه و بیان مسئله

در شرایط اقتصادی دانش‌بنیان مقوله"کیفیت" و اتخاذ استراتژی‌های مناسب برای بهبود مستمر آن به یکی از مسائل مهم در آموزش عالی هم برای سیاست‌گذاران، برنامه ریزان و مدیران آموزش عالی و هم برای ذینفعان کلیدی آن مبدل شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورها به‌ویژه در کشورهای در خال توسعه بسترها و شرایط مناسب پشتیبانی اداری، مالی و علمی برای ارتقای این مقوله مهیا نشده است. ازاین‌رو ناتوانی کشورهای درحال‌توسعه در پاسخ به رشد تقاضای روزافزون برای برخورداری از آموزشی باکیفیت از طرفی و محدودیت ظرفیت مراکز دانشگاهی معتبر از سوی دیگر، سبب تحرک و پویایی بین‌المللی دانشجویان این کشورها برای برخورداری از خدمات آموزشی باکیفیت شده است. این امر ضرورت بررسی و تحلیل نظام آموزش عالی و سازوکارهای آموزشی و پژوهشی آن را نه صرفاً به‌عنوان یک زمینه ملی بلکه به‌منزله یک موضوع بین‌المللی دوچندان کرده است. تحت چنین شرایطی، پویایی بین‌المللی افراد مجرب و بامهارت، به‌مثابه یک محرک ضروری برای پایدارتر ساختن فرایندهای جهانی‌شدن اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌گردد. با مطرح‌شدن این جریان‌های بین‌المللی دانشجویی، این سؤال به وجود می‌آید که آیا کشورهای درحال‌توسعه، از "رفتن استعدادهای درخشان خود به بیرون از مرزها " سود می‌برند یا زیان؟ هرچند تفسیر جریان‌های انتقالی بین‌المللی، صرفاً بر اساس مسئله‌ای تحت عنوان «***فرار مغزها***»، بسیار گمراه‌کننده است. در این میان، نمی‌توان سیاست‌های انحصاری کشورهای توسعه‌یافته و طرح‌ریزی تعمدی و هدفمند آنان را از طرح‌های مهاجرت متخصصان دیگر کشورها نادیده گرفت. با این وصف، هدف پژوهش حاضر، تحلیل دریافت و فهم تجارب اساتید تحصیل‌کرده خارج از کشور از نقش و کارکرد آموزش عالی فرا–مرزی به‌مثابه یک محرک اصلی در تحرک، جابجایی و مهاجرت متخصصان کشور است؛ اینکه چه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی آن‌ها را به ماندن در کشورهای محل تحصیل، ترغیب می‌نماید. شاید با تأمل در آرا و دیدگاه‌های آنان بتوان عوامل دافعه در کشور مبدأ نیز که موجب مهاجرت آن‌ها می‌شود، شناسایی نمود.

بی‌تردید آموزش عالی در پیوند نزدیک با مفهوم " پیشرفت " [۱] و نوآوری است که جایگاه اجتماعی آن در جامعه به‌صورت روزافزونی در حال بهتر شدن است. به این معنا که دانشگاه‌ها

[۱] progress

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

در تعامل نزدیک با انبوهی از جوامع بیرونی هستند که هرکدام تقاضاهای خاصی از آموزش عالی دارند. برای مثال، جامعه‌ی اقتصادی از آموزش عالی انتظار دارد افراد را به دانش و مهارت موردنیاز اقتصاد مدرن (دانش‌محور) جهت تسهیل فرایند توسعه اقتصادی، مجهز کند. این امر سبب شده است تا آموزش عالی خود را تحت‌فشار مجموعه روزافزونی از انتظارات متضاد و طاقت‌فرسا ببیند. درواقع به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها بار مسئولیت دیگر نهادها و مؤسسات را در این حوزه به دوش می‌کشند[1]. بر این اساس هرچند «**جهانی‌شدن**» و «**جامعه دانش**» مفاهیمی هستند که اساساً ناظر به تغییرات اخیر در ماهیت جوامع صنعتی می‌باشند؛ اما توجه به جنبه‌های علمی و آکادمیک این مفاهیم سبب شده تا آموزش عالی در این میان به محل تلاقی تمام این تغییرات و دورنماها (چشم‌اندازها) مبدل گردد[2]. شاید به همین دلیل است که نقش آموزش عالی در توسعه نظام اجتماعی جهانی اطلاعات، بسیار تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. ازاین‌رو می‌توان انتظار داشت که آموزش عالی بتواند نسبت به تحولات روز جامعه از خود واکنش سیاسی نشان داده و در برابر نیازها و انتظارات فرهنگی جامعه، دنیای کار، دیگر سطوح نظام آموزشی، دانشجویان و معلمان به شکل مناسب و قابل قبولی پاسخگو باشد. از همین روی است که نمی‌توان نقش آموزش عالی را در تعمیم و گسترش دانش در جوامع صنعتی شده و کشورهای درحال‌توسعه نادیده گرفت (ESF,2008).

پس از جنبش پروتستان که بر درونی سازی دانشگاهی تمرکز داشت، پیدایش مفهومی همانند «**جهان سوم**» به‌منزله پیامد اقدامات استعمارگرانه دول قدرتمند در میانه قرن بیستم، ایجاد و گسترش دانشگاه‌های ملی را تسریع کرد. با این وصف در حال حاضر مسیر و حوزه‌ی بین‌المللی دانشگاه (علمی)، دوباره احیاشده است. در این میان، فناوری اطلاعات و اقتصاد دانش‌محور، امکان تحرک و جابجایی مکانی را برای دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی و مراکز دانشگاهی بیشتر کرده است. بی‌تردید نظام اقتصادی در توسعه ابعاد بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها بسیار مؤثر بوده است. ازاین‌رو هرچند که نما و نمود مقوله بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها روشن و شفاف نبوده و سرعت

[1] over-burdened university

[2] جهانی‌شدن ازنظر Beerkens دارای ٤ دورنماست (چشم‌انداز): جهانی‌شدن به لحاظ جغرافیایی، قدرت و اختیار، مفهوم سازمانی و معنای فرهنگی (ESF,2008).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

پیشرفت آن نیز متأثر از عوامل متغیری نظیر واقعیت‌های سیاسی و امنیت ملی[1] کشورها؛ رشد آموزش عالی در بخش خصوصی؛ سیاست‌های دولتی و افزایش هزینه‌های تحصیل و ویزا (روادید)؛ سیاست‌های اروپایی و تحمیل هزینه‌ها و مالیات بر دانشجویان غیراروپایی؛ رشد استفاده از زبان انگلیسی به‌منظور تبادل تحقیقاتی و آموزشی؛ بین‌المللی شدن برنامه‌ی درسی؛ یادگیری الکترونیکی؛ مشکلات کنترل و اطمینان کیفی می‌باشد، این مقوله به‌عنوان یکی از موضوعات کانونی در آموزش عالی باقی خواهد ماند (Altbach & Knight,2007).

بااین‌وجود، در طول دو دهه‌ی گذشته، فعالیت در بعد بین‌المللی دانشگاه‌ها به‌طور خیره‌کننده‌ای گسترش‌یافته است؛ بسیاری از کشورها (به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته) در حال رقابت برای جذب دانشجویان خارجی، میزبانی مؤسسات و برنامه‌های آموزشی و حضور گسترده در جهان هستند (OECD,2008). بر این اساس، تأمین دسترسی و جذب تقاضا یکی دیگر از زمینه‌های بین‌المللی شدن است؛ چون نسبت به گذشته، افراد بیشتری در دوره‌های آموزش عالی پذیرفته می‌شوند، و این به همساز کردن و تطبیق حوزه‌ی متمایزی از علایق و توانایی‌ها نیاز دارد؛ لذا، نسبت تمایل افراد به دسترسی آنان به حوزه‌های گسترده‌تر علمی در جهان افزایش‌یافته است. این امر تا حد زیادی به گسترش آموزش عالی انبوه برمی‌گردد (Altbach & Knight,2007؛Maclean & Pavlova, 2011).

طبعاً در قرن بیست و یکم، ما شاهد توسعه‌ی سریع آموزش عالی فرا- مرزی در سراسر جهان هستیم که در آن آموزش عالی به یکی از بخش‌های اصلی فرایند جهانی‌شدن تبدیل‌شده و با پدیده عرضه و تقاضای فرا- مرزی دست‌به‌گریبان است. چنین پدیده‌ای به دلیل ناتوانی کشورهای درحال‌توسعه در برآورده کردن افزایش تقاضای جهانی دانشجویان در حال تشدید است. البته غنی‌سازی تجارب فرهنگی دانشجویان به‌واسطه‌ی تحصیلات خارج کشور، با پشتیبانی دولت‌ها از آن‌ها به‌منظور دستیابی به ترکیبی از مشارکت فرهنگی، سیاسی، بازار کار، و تجارت، تسهیل می‌شود. به‌هرحال ازآنجاکه عرضه‌کنندگان آموزش، دانشجویان خارجی را به‌عنوان منبع درآمد می‌بینند، آموزش عالی را دیگر نمی‌توان صرفاً درزمینهٔ ی ملی موردبحث قرارداد. درنتیجه، اینکه در سراسر جهان، دانشجویان تمایل دارند که برای مطالعه و ادامه

[1] .مسئله‌ی تروریسم، بر آموزش عالی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. در آمریکا و دیگر کشورها، محدودیت‌های امنیتی و اعطای ویزا موضوعاتی است که قابل‌بررسی است. درنتیجه، ترس از تروریسم بر جریان دانشجویان برون‌مرزی و بین‌المللی نیز تأثیرگذار است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

تحصیل به خارج از کشور محل سکونت خود مهاجرت کنند، به یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر مبدل شده است (Okoli,2013).

به‌طورکلی می‌توان گفت، ازآنجاکه آموزش عالی موتور محرکه و رشد اقتصادی ملی و ابزاری برای تحقق آرمان‌های جمعی است؛ درکشورهای پیشرفته برای افزایش رقابت بین‌المللی در اقتصاد دانش‌محور، به نقش مهم و روزافزون این نظام در تولید دانش، نوآوری و سرمایه انسانی موردنیاز توجه می‌شود طوری که نه‌تنها بر دسترسی برابر به آموزش عالی، بلکه بر بهبود کیفیت خدمات آن نیز بسیار تأکید می‌شود (Odhiambo,2011).

از طرف دیگر در عصر جهانی‌شدن، مشارکت مردم به یک موضوع کلیدی مبدل شده است که آنان را قادر می‌سازد تا موجبات توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم سازند. تحت چنین شرایطی، پویایی بین‌المللی نیروی انسانی ماهر و متخصص به‌منزله محرک اصلی و ضروری برای نگهداری فرایندهای جهانی‌شدن اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌گردد. لذا برای اینکه کشورهای درحال‌توسعه از اقتصاد دانش سود ببرند، باید قادر باشند متخصصان موردنیاز خود را صرف‌نظر از اینکه کجا زندگی می‌کنند، جذب نمایند (Rizvi,2005).

بر همین اساس اقتصاد دانش‌محور یکپارچه جهانی، نیازمند توسعه‌ی هر چه بیشتر مشارکت‌های انتقالی و پویایی در میان نیروی کار ماهر است که تقاضا برای مهارت‌های سطح بالا را در اکثر مشاغل ایجاد کرده است (Rizvi,2005؛ Odhiambo,2011). درواقع، آموزش عالی فرامرزی میل به ترویج متقابل تفاهم بین کشورها از طریق مهاجرت کارگران ماهر (دانشجویان) را دارد (Okoli,2013). اما در این میان، یکی از نگرانی‌های آموزش عالی فرا- مرزی، افزایش پدیده‌ی فرار مغزها از کشورهای درحال‌توسعه و افزایش گردش مهارت‌ها در میان کشورهاست (Odhiambo, ; Dawood, 2008; OECD, 2008; Rizvi, 2005 2011; Okoli, 2013). به تعبیر یونسکو، فرار نیروهای متخصص شکل غیر هنجاری مبادله‌ی علمی بین کشورهاست که با خصیصه یک‌سویه آن به اکثراً به سود کشورهای توسعه‌یافته است (طایفی،۱۳۸۰). طبعاً تداوم این مسئله به‌منزله یکی از عوامل تشدید رکود و افت در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه محسوب می‌گردد. هرچند که جابجایی علمی و دانشگاهی پدیده‌ای تازه نیست و در سده‌ی بیست و یکم نیز در حال شدت گرفتن بوده، اما چنین روندی به‌واسطه‌ی وجود بعضی از سیاست‌های انحصاری در سطح ملی توسط بعضی از کشورهای جهان، محدودشده است. درنتیجه، توصیف پدیده‌ی فرا مغزها به آمریکا و سایر کشورهای غربی بسیار پیچیده‌تر از آن است که تصور گردد (Gavazi, Ghahremani, Alikhani,2011).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

اصطلاح «فرار مغزها» با واژه‌هایی مانند خون روی مغزها[1]، گردش مغزها[2]، تحصیل و پویایی مغزها[3]، نیز تعبیر می‌شود که به جنبش و تحرک کارشناسان ارشد (سطح بالا)، از کشورهای درحال‌توسعه به کشورهای صنعتی اشاره دارد. فرار مغزها به‌عنوان از دست دادن دانش، تجربه، مهارت و تخصص انسانی از یک منطقه، کشور یا هرگونه موقعیت جغرافیایی به دیگر موقعیت‌ها، نیز تعریف می‌شود (Odhiambo,2011). این حالت معمولاً از کشورهای درحال‌توسعه به توسعه‌یافته رخ می‌دهد. به‌هرحال این پدیده عمیقاً نگران‌کننده به‌طور گسترده‌ای موردبحث بوده و نه‌تنها در روابط آموزشی میان ملت‌ها، بلکه به‌عنوان یک ناهنجاری توسعه در مورد کشورهای جهان سوم، نیز مورد بررسی و کنکاش است.

مطابق آمارهای بین‌المللی، موج مهاجرت نخبگان ایرانی نیز به کشورهای اروپایی، آمریکا و اخیراً کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس، هنوز مهار نشده است (ذاکر صالحی، ۱۳۸٦). همچنین، آمارها نشان می‌دهد مناطقی چون کشورهای قاره آفریقا در حال از دست دادن نیروهای ماهر و متخصص خود هستند که برای پیشرفت‌های فناورانه، علمی، اقتصادی و اجتماعی به‌شدت به آن‌ها نیاز است. این نوعی هشدار برای افزایش خروج سرمایه‌های انسانی و پایین بودن نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در آموزش عالی است. به‌طوری‌که کمیسیون اقتصادی آفریقا در سازمان ملل متحد، ۲۵ سال آینده را " آفریقای خالی از مغز " توصیف می‌کند. نتیجه‌ی چنین وضعیتی، وابستگی فزاینده‌ی مؤسسات آفریقایی به تخصص خارجی برای پر کردن شکاف منابع انسانی ایجادشده توسط فرار مغزهاست (Tebeje,2007). بانک جهانی نیز نگرانی خود را از افزایش سریع نرخ مهاجرت کارگران اطلاعاتی (دانشکاران)[4] از کشورهای درحال‌توسعه، بیان می‌کند که شرایط لازم برای نگهداری و تقویت دانشگاه‌هایشان را ندارند. این نهاد بین-المللی پیشنهاد می‌کند که بروز چنین پدیده‌ای، به‌ناچار رشد اقتصادی آن کشورها را به تأخیر می‌اندازد. برنامه‌ی عمران سازمان ملل متحد (UNDP) نیز، اثر منفی این مهاجرت را به‌صورت مستند گزارش کرده است و سیاست‌های قابل‌توجهی را برای جلوگیری از این وضعیت، و

[1] hemorrhage brain
[2] brain circulation
[3] brain mobility or brain gain
[4] Knowledge workers

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

بدتر شدن این گرایش‌ها، اتخاذ نموده است. این نگرانی نه‌فقط برای کشورهای درحال‌توسعه، بلکه به زیان کارگران بسیار ماهر نیز هست.

البته تبیج[۱] (۲۰۰۷) از زاویه‌ای دیگر به این مسئله می‌نگرد و استدلال می‌کند اگرچه جنبش انتقالی مردم، از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر جهانی‌شدن است، اما در اقتصاد دانش یکپارچه‌ی جهانی، کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته، هر دو از گردش جهانی کارگران سود می‌برند. فرار مغزها در حقیقت برای کشورهای درحال‌توسعه نیز مفید است. وقتی‌که مهاجرت موقتی است، فرار مغزها متوسط بهره‌وری و برابری را در منابع اقتصادی افزایش می‌دهد. ولو اینکه متوسط بهره‌وری، تابعی مثبت از سطوح میانگین گذشته از سرمایه‌ی انسانی در اقتصاد است. اقتصاددانان ادعا می‌کنند که مهاجرت موقتی، همواره متوسط بهره‌وری یک اقتصاد را افزایش می‌دهد. مدل‌های اقتصادی دیگر، فرار مغزهای مطلوب و بهینه [۲] را معرفی می‌کنند که متوسط بهره‌وری کشورهای درحال‌توسعه را افزایش می‌دهد. به‌ویژه اگر کارگران پس از کسب تخصص و مهارت در اقتصادهای پیشرفته، به کشورشان برگردند (Rizvi,2005). همچنین تحقیقات نشان داده است وقتی مهاجران ماهر بخشی از درآمدهای خود را به کشورشان و خاستگاه خود برمی‌گردانند، وجوه ارسالی، اثرات به هم فزایندگی دارند که درآمد ملی را افزایش می‌دهد (Dawood,2008؛ Rizvi,2005)، بنابراین با لحاظ کردن این جوانب، گمراه‌کننده است اگر تمام جریانات انتقالی را برحسب یک مسئله‌ی منحصربه‌فرد تحت عنوان عمومی "فرار مغزها" تفسیر کنیم.

از سویی دیگر پذیرش دانشجویان خارجی که شهریه پرداخت می‌کنند می‌تواند دو نتیجه‌ی مشخص دربر داشته باشد: ابتدا آینده‌ای همراه با سرمایه و پول افزوده برای دانشگاه‌های پذیرنده‌ی آن‌ها دارد. دوم این امکان وجود دارد که آن‌ها سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و فکری مختلفی را به کشورهایشان برگردانند. علاوه بر این‌ها، دانشجویان پذیرفته‌شده با خودشان ایده‌ها و دانش‌هایی را می‌آورند که امکان ضربه زدن و حتی تهاجم به دانش‌های مسلط غربی در موسسه‌های پذیرنده‌ی آن‌ها را به همراه داشته باشد (Gavazi et al., 2011).

---

[۱] Tebeje

[۲] optimal brain drain

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

با این تفاسیر اقتصاددانان هندی از پدیده‌ی فرار مغزها به‌عنوان مهاجرت مغزها[۱] یاد می‌کنند. ازنظر آن‌ها به بیرون جاری شدن مغزها[۲]، صادرات مغزها[۳]، فرار مغزها، و مبادله‌ی مغزها[٤]، مبین شیوه‌ها و کیفیت‌های متفاوتی را از مهاجرت مردم ماهر است. حرکت نیروی کار ماهر از کشورهای درحال‌توسعه، شاید به‌عنوان صادرات مغزها به آن‌ها اجازه می‌دهد تا مبادلات خارجی را که برای بقای اقتصادی‌شان به آن نیاز دارند را کسب کنند. به بیرون جاری شدن مغزها (خروج مغزها) نیز به مهاجرت افراد بیکار یا مازاد با بهره‌وری نهایی صفر در کشورشان اشاره می‌کند که اغلب به دلیل عوامل متعددی مانند به‌کارگیری غیر بهینه (استفاده کمتر از حد مطلوب)، تخصیص نادرست منابع، امکانات ناکافی، کامیابی‌های محدود در کشور خود (چشم‌انداز محدود در کشور میزبان)، تشدید می‌گردد (Rizvi,2005).

همچنین، بسیار حائز اهمیت است که ساختار سرمایه‌داری جهانی را در ارتباط با فرار مغزها ازنظر دور نداریم. ایده‌ی فرار مغزها، ازنظر تئوری نظام‌های جهانی والرشتاین[۵] نتیجه‌ی ساختار سرمایه‌داری جهانی است که شرایطی را ایجاد می‌کند تا به‌واسطه‌ی کاربرد مدل‌های مختلف از کنترل نیروی کار، ماشین‌آلات دولتی و توزیع قدرت سیاسی، رشد اقتصادی برای برخی کشورها و توسعه‌نیافتگی برای دیگر کشورها، فراهم آید. این نظام، بر اساس تقسیم بین‌المللی نیروی کار است که ارتباط مناطق مختلف را در طول هم تعیین می‌کند.

والرشتاین چهار رسته اقتصادی "هسته"، "نیمه پیرامون"، "پیرامون"، و" خارجی" را پیشنهاد می‌کند که می‌توان تمام مناطق جهان را در آن قرارداد. این رسته‌ها، اهمیت نسبی هر منطقه را در اقتصاد جهانی توصیف می‌کند. کشورهای هسته، بیشترین منفعت را از اقتصاد سرمایه‌داری جهانی می‌برند و کوچک‌ترین واسطه را برای کنترل تجارت بین‌الملل ندارند و قادرند مازاد سرمایه را از تجارت برای منفعت خودشان، استخراج کنند. کشورهای پیرامون، توسط دیگر دولت‌ها کنترل می‌شوند و مواد خام را به هسته صادر می‌کنند. در این میان، هریک از مناطق هسته‌ای در کاستن یا به حاشیه راندن آن‌ها (کشورهای پیرامون و نیمه پیرامون) برای توسعه‌ی

---

۱ brain migration

۲ brain outflow

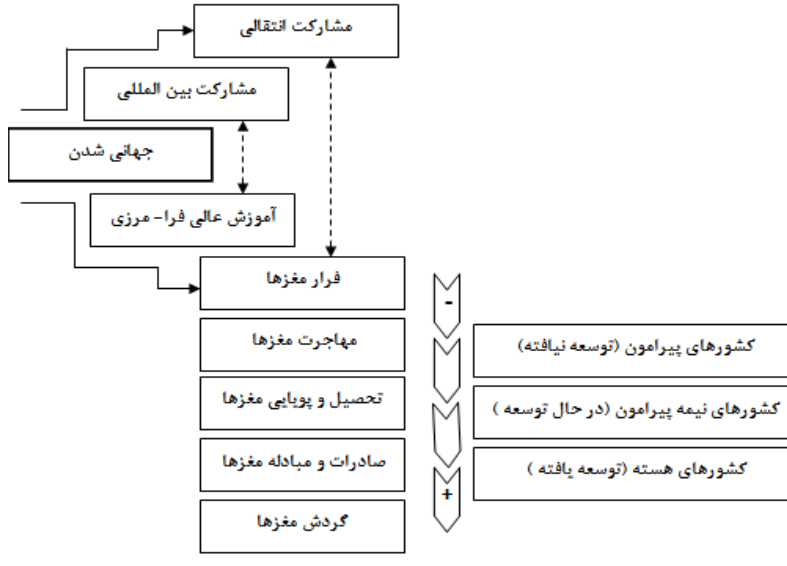
۳ brain export

٤ brain exchange

۵ Wallerstein

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

موقعیت نسبی‌شان در نظام اقتصاد جهانی، در تلاش هستند. چنین نظامی، مردم بامهارت و فرهیخته‌ی پیرامون و نیمه پیرامون را برای مهاجرت به هسته تشویق می‌کنند. به‌علاوه این امر، موقعیت هسته را در جهان قوی‌تر می‌سازد. این امر نشان می‌دهد که فرار مغزها یک پیامد ساختاری قابل پیش‌بینی از سرمایه‌داری جهانی است که منجر به بازتولید توسعه‌نیافتگی و نابرابری جهانی می‌شود (Rizvi,2005). در شکل ۱ نگارندگان مقاله با عنایت به تجارب سایر کشورها پیرامون دامنه و تبعات آموزش عالی فرا-مرزی از طرفی، نظریه مرکز-پیرامون ریزوی (۲۰۰۵) و همچنین تجارب و استنتاج‌های خود از طرف دیگر در قالب یک مدل مفهومی صورت‌بندی نموده‌اند.



شکل ۱. جریان‌های بین‌المللی باملاحظه‌ی نظریه‌ی مرکز- پیرامون

هدف پژوهش

این پژوهش باهدف تحلیل، فهم و دریافت تجارب اساتید دانشگاه کردستان از تحصیل در کشورهای خارجی به‌منظور استخراج عوامل دافعه در کشور مبدأ، و شناسایی پیامدهای ناشی از آن انجام و درصدد آزمون پرسش اساسی زیر بود.

سؤال پژوهش

پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های جاذبه در کشورهای خارجی (میزبان) و عوامل دافعه کدام‌اند که پس از اتمام تحصیلات، دانش‌آموختگان و متخصصان را به ماندن یا بازگشت ترغیب می‌نماید؟

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

روش‌شناسی

زیربنای فلسفی مسئله پژوهش حاضر به‌گونه‌ای است که دانش را در دیدگاه مشارکت‌کننده‌ها (متخصصان) جست‌وجو می‌کند. درواقع، این زیربنای فلسفی مبتنی بر معرفت‌شناسی سازنده گرایی[۱] است که منعکس‌کننده تحقیقاتی هستند که به رویکرد کیفی[۲] منجر می‌شوند. بنابراین برای واکاوی مسئله حاضر از رویکرد مذکور استفاده شد. مضافاً اینکه شواهد نشان می‌دهد که تحقیق کیفی، رویکردی مناسب برای کشف داده‌های جدید و نوظهور[۳] است (کرس‌ول، ۲۰۱۲؛ کرس‌ول، ۲۰۰۹؛ هاچ، ۲۰۰۲؛ دونوگ و پانچ، ۲۰۰۳؛ مارشال و راسمن[٤]، ۱۹۹۹؛ ماکسول[٥]، ۱۹۹٦). از طرف دیگر، ازآنجاکه ماهیت پژوهش حاضر به‌گونه‌ای بود که مستلزم بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها، تجارب و نظرات اساتید دانشگاه بود، از روش پدیدارشناسی[٦] استفاده شد. روش پدیدارشناسی یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به بررسی و تحلیل ژرف دیدگاه‌ها، احساسات و تجارب گروه نمونه در رابطه با پدیده یا پدیده‌های خاصی می‌پردازد (کرس‌ول، ۲۰۰۹؛ کرسول، ۲۰۱۲؛ هاچ، ۲۰۰۲). جامعه پژوهش نیز شامل آن دسته از اساتید دانشگاه کردستان بود که دوره تحصیلی دکترای خود در خارج از کشور گذرانده‌اند. بنابراین برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌های نظری و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند[۷] بهره گرفته شد که درنهایت با ۷ نفر از اساتید مصاحبه به عمل آمد. خلاصه ویژگی‌های جمعیت شناختی و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش نیز از مصاحبه عمیق یا باز استفاده شد. به‌گونه‌ای که مصاحبه‌شونده با یک سؤال کلی و باز در ارتباط با موضوع پژوهش مواجه می‌شد و بدون هیچ‌گونه محدودیتی دیدگاه‌های خود را بیان می‌نمود. دلیل استفاده از این نوع مصاحبه آن بود که محقق بتواند بدون محدود کردن دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، جهان‌بینی‌ها و تجارب آن‌ها را بررسی و واکاوی کند که پیش‌تر به‌عنوان زیربنای فلسفی تحقیقات کیفی مطرح شد. شایان‌ذکر

---

۱ Constructivist epistemology

۲ Qualitative approach

۳ Emerging data

4 Marshall and Rossman

5 Maxwell

٦ Phenomenology

۷ Purposeful sampling

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

است که در جریان مصاحبه‌ها و با کسب اجازه از مشارکت‌کننده‌ها، از ضبط‌صوت برای ثبت و ضبط داده‌ها استفاده شد و پس از پیاده شدن، به دست‌نوشته‌های متنی تبدیل شدند.

برای اعتبار یابی داده‌ها نیز اقدامات زیر انجام شد: ۱) تحلیل و بازبینی مقوله‌های به‌دست‌آمده توسط صاحب‌نظران و اساتید گروه نمونه[۱] (ماکسول،۱۹۹٦؛ کرس‌ول، ۲۰۱۲). ۲) از روش بازخورد مشارکت‌کننده که مبتنی بر ارائه تفسیرها و تحلیل‌های محققان به مشارکت‌کنندگان در حین انجام مصاحبه است و همین‌طور برای اصلاح و ویرایش مواردی که توسط محققان بدفهم شده‌اند، استفاده شد. ۳) نظرات همکاران نیز برای یکپارچه کردن داده‌ها دریافت و مورداستفاده قرار گرفت. علاوه بر آن، نقل‌قول‌های مستقیمی نیز از مشارکت‌کننده‌ها ارائه‌شده است که می‌تواند بر اعتبار یافته‌ها بیفزاید. درنهایت محققان با استفاده از روش تحلیل تم[۲] مبتنی بر کدگذاری باز[۳]، به تحلیل و تفسیر یافته‌های پژوهش پرداخت. در این نوع تحلیل، ابتدا اطلاعات از افراد مشارکت‌کننده گردآوری و کدگذاری شده و فرایند تلخیص و کاهش کدها تا جایی ادامه پیدا می‌کند که به مقوله‌ها و طبقه‌های گسترده‌تری دست پیدا کنیم که بتواند کدهای جزئی‌تر را شامل شود (کرسول، ۲۰۱۲). در این پژوهش، ۱۳ مقوله استخراج شدند که درنهایت، در زیرمجموعه‌ی ٤ طبقه (تم) قرار گرفتند. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری نیز در پایان‌بخش روش‌شناسی آورده شده است که بر اساس آموزه‌های تحقیقات آموزشی است[۴].

جدول ۱. اطلاعات مربوط به مشارکت‌کنندگان

ردیف	محل تحصیل	دانشکده	خلاصه دیدگاه مصاحبه‌شونده
مصاحبه‌شونده شماره ۱	انگلستان	فنی- مهندسی	برای هر فردی، مطلوب است که تماماً به ایران برگرده و البته به‌صورت کوتاه‌مدت همچنان رفت‌وآمد داشته باشد. ولی استانداردهای علمی سطح پایین، و زیرساخت‌های ضعیف، میل به بازگشت بلندمدت را تشدید می‌نماید.
مصاحبه‌شونده شماره ۲	آلمان	کشاورزی	از افراد تحصیل‌کرده انتظار مسئولیت‌پذیری بیشتری میره؛ مسئولیت‌پذیری نسبت که کشور خودش که با امکانات آن به مدارج بالا رسیده‌اند. به‌هرحال، بر نگشتن و بی‌انگیزه

[۱] Member checking

[۲] Thematic analysis

[۳] Open coding

[٤]Creswell J. w. (2012). Educational research: planning, conducting and evaluatingquantitative and qualitative research. Pearson. Boston. P: 246.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

			شدن، میتونه دلایل شخصی خودش رو هم داشته باشه. درکل، من با کار کردن فرد در اونجا مخالفم نه با تحصیل و کسب تجربه.
مصاحبه‌شونده شماره ۳	استرالیا	فنی- مهندسی	نوعی گردشِ با تأمل بیشتر، که فرد پس از مدتی برگرده و فرار مغزها صورت نگیره، تا حدی طبیعیه. یعنی به بحث انتقال دانش، ثروت، آشنایی با جوامع مختلف بر میگرده. اما اگر بخواهیم جهت انتقال این پدیده به معادله‌ی پایاپای سوق داده بشه اقدامات و تسهیلات لازمه. در صورت تعامل دانش و فرهنگ، افراد خوبی‌های کشور خودشون رو بهتر درک میکنن و کم‌کم ایده آل‌ها به دنیای واقعی تبدیل میشن و آگاهانه تصمیم میگیرن. تا اینکه مقیاس صفر و یکرو تصور کنند.
مصاحبه‌شونده شماره ٤	روسیه	کشاورزی	طبیعیه که فرد تحصیل‌کرده، پس از مدتی علاقه‌مند بشه و تعلقاتی در اون ایجاد بشه و به‌تدریج خیلی از مسائل براش قابل هضم بشه. به نظر می رسه که رمز موفقیت کشورهای جذب‌کننده، اعتماد و پایبندی اونها به تسهیلات شون هست درحالی‌که خودمون در زیر اقیانوسی از دروغ زندگی می‌کنیم.
مصاحبه‌شونده شماره ٥	مالزی	علوم پایه	ساده‌ترین و شاید دلیل مشترک مهاجرت و برنگشتن، بحث اقتصادیه. مشکلات ما، درون سیستمیه. در تجارت مغزها، باید دو طرف چیزی برای صادر کردن داشته باشن. نه اینکه صادرکننده صرف بود. پس بایستی چیزی برای عرضه هم وجود داشته باشه و دراین‌ارتباط سعی کنن که خودشون رو به استانداردها برسونن.
مصاحبه‌شونده شماره ٦	آلمان	فنی- مهندسی	متأسفانه در مجامع علمی و آکادمیک ایران، هیچ‌چیز جایگاه و ارزش واقعی خودش رو نداره. مخصوصاً پژوهش و تحقیقات علمی. یعنی توضیح دقیقی از رفتار علمی و استانداردهای عملکرد در این حوزه، ارائه نشده. درحالی‌که اعتبار به استاد دانشگاه به همین تحقیقاتش بر میگرده.
مصاحبه‌شونده	انگلستان	علوم	مجموعه از عوامل ساختاری و نگرشی سبب می‌گردند

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

شماره ۷		انسانی	که ابتدا تحصیل‌کردگان و متخصصان خارج از کشور به انفعال گری حرفه‌ای دچار گردند و سپس در جستجوی زمینه فعالیت علمی و تحقیقاتی در فراسوی مرزهای کشور و مهاجرت از موطن خود برآیند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

یافته‌های این مطالعه نشان داد آنچه موجبات مهاجرت را فراهم می‌نماید نبود بسترهای تحقیقاتی، تنش‌های سیاسی، استانداردهای اقتصادی، و جوّ سازمانی است. با استناد بر تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تعهدات و تعلقات اجتماعی (تعهدات اخلاقی به خانواده و دوستان، حس میهن‌پرستی)، مشخصه‌های فرهنگی و جمعیتی کشور میزبان (تنوع نژادی و بعضاً نژادپرستی به دلیل سابقه‌ی طولانی مهاجرپذیری آن‌ها)؛ و علایق فردی (رضایت درونی) عواملی بودند که تااندازه‌ای، تصمیم به بازگشت را در آن‌ها ایجاد می‌نمود. لذا چنین پیشنهاد دادند: ازآنجاکه پیوندهای علمی و دانشگاهی با توجه به شرایط تحریم در ایران بسیار محدود است، بهتر است که از چنین تنش‌های سیاسی‌ای کاسته و به سمت روابط پایاپای و میزبانی ایران از شرکت‌های بین‌المللی حرکت شود؛ روند مهاجرت با تسهیل اخذ ویزا و انتقالات قانونی سرمایه و افراد متخصص، روند معکوس پیداکرده و لازم است به‌منظور حفظ استعدادها به‌صورت مستمر نسبت به انجام نیازسنجی و مطالعات آسیب‌شناسی اهتمام گردد.

جدول ۲. طبقه‌ها و مؤلفه‌های پژوهش

مسئله پژوهش (تم اصلی)	مقولات اصلی	مقولات فرعی
عوامل دافعه یا فشار در کشور مبدأ (ایران)	بسترهای تحقیقاتی	نبود شرایط و بسترهای فناورانه برای پیاده‌سازی دانسته‌ها و پروژه‌ها
		محدودیت شرکت در کنفرانس و مجامع بین‌المللی (پیوندهای علمی)
		نبود اعتبار و منزلت پژوهشی (به‌ویژه در علوم انسانی)
	تنش‌های سیاسی	شرایط تحریم و ارتباطات محدود
		تضاد میان ایدئولوژی‌های فرد و جامعه به دلیل نبود آزادی بیان
		مسائل اخذ ویزا
	استانداردهای اقتصادی	شرایط و امکانات رفاهی ناکافی برای زندگی
		شرایط کاری نامطلوب
		تفاوت ارزی با کشور میزبان
	جوسازمانی	عدم هماهنگی و پیوستگی (سیستماتیک) در محیط کاری
		تسهیلات کوتاه‌مدت و دوره‌ای
		تصمیم‌گیری بر اساس رابطه و قومیت (تلفن کاری و آشنابازی)
		نبود اعتماد و مسئولیت‌پذیری سازمانی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فرایند کدگذاری و تحلیل مصاحبه ها: مثال

کدها	تم اصلی و سایر تفکرات و نظرات	
		با توجه به اینکه تحصیلات دکترا را در خارج از ایران گذرانده اید، فضای دانشگاهی و جامعه ی ایران را چگونه توصیف می کنید؟
پیاده سازی پروژه ها- تکنولوژی پیشرفته	مناسب برای نقل قول	در هر جای دنیا اگه نگا کنیم به بهانه ای، کسانی که قوی تر هستن دوست دارن به این کشورها برن. تحصیل، فرصت مطالعاتی و ... . من شخصا می دیدم ایرانی ها خیلی هاشون دوست داشتن شرایطی باشه(نه دقیقا مثل اون کشور)که بتونن هر چند وقت، برگردن ایران. منظورتون از شرایط چیه؟ میتونید به مواردی اشاره کنید؟ مثلا گاهی پروژه هایی انجام میشه که در زمان پیاده سازی به تکنولوژی های پیشرفته نیاز دارن که امکانش در ایران وجود نداره. اما اگر ایران ارتباطش با کشورهای دنیا قوی تر بشه، امکانش هست
شرایط تحریم- ارتباط- سیاسی- پیاده سازی دانسته، همکاری-	تنش سیاسی	تیم های تحقیقاتی اونجا با ایران همکاری کنن و این نوعی درآمد زایی واسه ایران هم هست. ولی متاسفانه در دو سه سال اخیر چون شرایط سیاسی مثل تحریم پیش اومده، تنش ها و مشکلاتی رو هم ایجاد کرده که امکان چنین ارتباطی رو از بین می بره. پس کسایی که درس می خونن، نمی تونن دانسته های خودشون رو پیاده سازی کنن .
کارپژوهشی- شرکت در کنفرانس- رضایت درونی- اعتبار	علت بازگشت به ایران	انجام کار پژوهشی بقای یه استاده که لازمه مثلا در چندین کنفرانس شرکت کنه. من شخصا بعد تحصیلاتم برگشتم. چون احساس میکردم اینجا رضایت درونی ام بیشتره.
استانداردها ی اقتصادی- نیاز های اولیه	استانداردهای اقتصادی	ولی گاهی پیش میاد که بخوام یکی دو سال دیگه برگردم. دلیلش سطح پایین استانداردهای اقتصادیه و برآورده نشدن نیازهای اولیه ام بود .
جو سازمانی- محیط کاری- هماهنگی و پیوستگی- سیستم- شرایط کاری- شرایط مستمر- احترام وعزت	جو سازمانی- شرایط کاری	اون ها شرایطی رو برای فرد نخبه قائل میشن که مستمره. و هر چه جلوتر میره، شرایط کاری بهتر و بهتر میشه. بخصوص انگلیس که جوّش بصورتیه که احترام و عزت در اون وجود داره، منظورتون از جو همون فضای اجتماعی بطور کلیه؟ بله، فضای جامعه، جو سازمان ها و نهادها. که احترام و عزت به موقعیت فرد در سازمان بستگی نداره. کسی که کار خدماتی انجام میده با یه استاد یا مثلا کارشناس گروه، مثل هم احترام دارن. و همدیگر رو با عناوین مثلا "دکتر" صدا نمی زنن. در محیط کاری ایران، هماهنگی و پیوستگی وجود نداره. من روز اول در انگلستان، پاکتی رو دریافت کردم که حاوی تمام راهنمایی های لازم بود. تمام کارت های شناسایی و یوزر پسوردها برای استفاده از کتابخانه و .... . اما من اینجا بعنوان هیات علمی، آمد و شدهای زیادی داشتم تا با سیستم اینجا آشنا شدم. چه برسه به یک دانشجو! سیستم در سازمان های اینجا شکل نگرفته، تیکه تیکه و اقماریه. و این بی نظمی میاره. این ها باعث سرخوردگی میشه و مثل یه شوک می مونه و باعث میشه اون فرد مجددا برگرده. پس از نظر شما جو سازمانی و محیط کاری بایستی متاثر از یه رویکرد سیستمی باشه. و این میتونه روحیه ی پژوهشی و آموزشی یه استاد رو تحت تاثیر قرار بده.... .
	مناسب برای نقل قول	
	علت بازگشت مجدد به کشور میزبان	

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

۱- بسترهای تحقیقاتی

۱-۱ - نبود شرایط و بسترهای فناورانه برای پیاده‌سازی دانسته‌ها و پروژه‌ها

بدیهی است که در رشته‌های مختلف، شیوه‌های پژوهشی متفاوتی به جهتِ تولید علم اتخاذ می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، مسیرهای تولید علم، متفاوت است. به‌تبع همین تفاوت، می‌توان به‌طور مثال گفت که علوم فنی- مهندسی از طریق معادلات منطقی و ریاضی به توصیفِ پدیده‌ها می‌پردازند؛ این در حالی است که در عمل بهره‌گیری از چنین معیار خطی برای توصیف و تحلیل پدیدها و سوژه‌های علمی مطرح در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نه ممکن است و نه منطقی به نظر می‌رسد. درهرصورت حرکت از تئوری به عمل نیازمند بسترهای فناورانه و تجهیزات مدرن است که بیشتر در رشته‌های فنی- مهندسی و علوم پایه مطرح است. اما به دلایلی ازجمله ساختارهای اقتصادی، دستاوردهای فکری دانشگاهیان در سطح تئوری متوقف و نتایج آن‌ها در کشورهای پیشرفته نمود عینی به خود می‌گیرد و طبیعتاً باید اذعان نمود که سرمایه، منابع و زیرساخت‌های علمی و فناوری از مؤلفه‌های اساسی فرایند پژوهش و تولید علم است که فقدان و ناکافی بودن آن، شکاف عظیمی را ازنظر توسعه فناورانه ایجاد کرده است. این امر ازجمله مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که زمینه ماندگاری طیف زیادی از متخصصان ایرانی را در کشورهای محل تحصیل آن‌ها ایجاد می‌کند و یا زمینه و انگیزه‌ای برای تشدید روند مهاجرت اساتید، متخصصان و پژوهشگران کشور به آن کشورها می‌باشد.

مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱، از ناتمام ماندن پروژه‌های مهندسی صحبت می‌کند:

> من شخصاً می‌دیدم ایرانی‌ها خیلی هاشون دوست داشتن شرایطی باشه (نه دقیقاً مثل اون کشور) که بتونن هرچند وقت، برگردن ایران. اما خیلی وقت‌ها این شرایط فراهم نیست. مثلاً گاهی پروژه‌هایی انجام میشه که در زمان پیاده سازی به تکنولوژی‌های پیشرفته نیاز دارن که امکانش در ایران وجود نداره (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

۱-۲- محدودیت شرکت در کنفرانس و مجامع بین‌المللی (پیوندهای علمی)

یکی از نگرانی‌های اعضای هیئت‌علمی، فراهم نبودن بسترهای ارتباطی و پیوندهای پژوهشی است. چراکه آن‌ها نیاز دارند تا در شرایط مدرن، با همتایان خود بدون محدودیت مکانی، در ارتباط باشند. به‌عبارت‌دیگر، تسهیم و به اشتراک‌گذاری دانش از علایق حرفه‌ای دانشگاهیان است که به‌واسطه کانال‌های ارتباطی ازجمله حضور در مجامع بین‌المللی و کنفرانس‌ها، می‌تواند تحقق یابد. اگرچه فرایند تعاملات به‌واسطه‌ی فناوری‌های ارتباطی و مجازی دگرگون‌شده است اما هنوز ارتباط چهره به چهره و مستقیم، به قوت خود باقی‌مانده و

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

تأثیرگذاری خاص خود را حفظ نموده است. به‌هرحال، محدودیت‌های پیوندی، بی‌تأثیر از جریان‌های سیاسی و اقتصادی نبوده و موجباتی را فراهم می‌آورد تا افراد جهت حفظ هویت و دانسته‌های خود و تسهیم هرچه بهتر آن، به کشورهای دیگر مهاجرت نمایند.

مصاحبه‌شوندگان شماره ۵ و ٦، تجربه ناکامی خود را از شرکت در مجامع بین‌المللی و دستیابی به منابع علمی معتبر، این‌چنین بیان می‌کنند:

> گاهی می‌بینی چیزی واقعاً در ایران امکان نداره. مثلاً میخوای مقاله‌ای بنویسی، در کنفرانس بین‌المللی شرکت کنی، و یا هزینه‌ی چاپ مقاله‌ای رو بخوای پرداخت کنی. اما شرایط اقتصادی ایران و تحریم‌ها این اجازه رو نمی‌ده. شاید تنها شرایط اقتصادی نباشه اما همین میتونه زندگی رو برای اون فرد سخت کنه (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

اونها IP کشورهای مورد تحریم رو میشناسن و فیلترهایی که هست اجازه‌ی واریز پول برای کنفرانس یا دانلود مقاله نمی‌ده (مصاحبه‌شونده شماره ٦).

۳-۱- نبود اعتبار و منزلت پژوهشی (به‌ویژه در علوم انسانی)

"پژوهش" در جامعه‌ی حاضر، هنوز جایگاه حقیقی خود را نیافته است. به این معنا که پژوهش فاقد چهارچوب ارزیابی کیفی و فاقد فرهنگ علمی و اخلاقی است. در این میان، عدم اهتمام به حوزه‌ای علمی به‌طور عام و به علوم انسانی به‌طور خاص و عدم تأمین اعتبار و سرمایه لازم جهت انجام فعالیت‌های علمی موجبات بی‌اعتنایی نسبت به پژوهش اصیل را در پژوهشگران این حوزه فراهم نموده است. این در حالی است که پژوهشگران حوزه علوم انسانی بیش از هر گروه دیگری از بی‌اعتنایی هدفمند و متعمدانه دست‌اندرکاران نسبت به این حوزه علمی آگاه هستند. دراین‌ارتباط نظرات مصاحبه‌شونده شماره ۷ قابل‌تأمل است:

> در سازوکارهای تصمیم‌گیری در خصوص توسعه فعالیت‌های علمی-تحقیقاتی کشور، نه‌تنها کمترین توجه به شرایط و استلزامات پژوهش در علوم انسانی مبذول نمی‌گردد؛ بلکه باوری نیز به اثربخشی پژوهش و فعالیت علمی در این حوزه در میان مدیران و مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وجود ندارد. این امر سبب شده تا به جایگاه علمی علوم مذکور وقعی نهاده شود و نه اعتبار و منابع لازم برای انجام فعالیت‌های علمی ذی‌ربط پیش‌بینی گردد. استفاده از ضرایب و مبنای محاسباتی متفاوت و البته پایین‌تر در محاسبه و پرداخت پژوهانه (گرانت) به اساتید علوم انسانی در مقایسه با اساتید سایر حوزه‌ها در دانشگاه‌های کشور برآیند طبیعی حاکمیت چنین تفکری می‌باشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

هرچند از بین بردن چنین موانعی، لزوماً تشویق به فعالیت‌های پژوهشی و افزایش خروجی نیست. بیشتر توصیه‌ها و پیشنهادات، تحت پوشش شیوه‌های مدیریت استاندارد قرار می‌گیرند که برای تغییر نیاز است. لذا تدوین یک چهارچوب کیفی برای پژوهش و مهارت‌های اساسی برای مدیریت پروژه‌های تحقیقاتی ضروری به نظر می‌رسد. چراکه پژوهش در معنای حقیقی و اخلاقی خود، انگیزش فکری، رضایت شغلی و اطمینان از غنی بودن آموزش و تدریس را تضمین می‌نماید.

دراین‌باره، مصاحبه‌شونده شماره‌ی ٦، از تجارب خود در کشور آلمان می‌گوید:

> متأسفانه در مجامع علمی و آکادمیک ایران، هیچ‌چیز جایگاه و ارزش واقعی خودش رو نداره. مخصوصاً پژوهش و تحقیقات علمی. یعنی توضیح دقیقی از رفتار علمی و استانداردهای عملکرد در این حوزه، ارائه نشده. درحالی‌که اعتبار به استاد دانشگاه به همین تحقیقاتش بر میگرده.

همچنین، دیدگاه و تجارب مصاحبه‌شونده شماره ٤ در ارتباط با جایگاه پرمنزلت علوم انسانی حائز اهمیت است. چرا که علوم انسانی سبب تقویت کیفیت زندگی اجتماعی، حرفه‌ای و عقلانی می‌شود. و هدف عمده‌ی آن، اصلاح و ترمیم بنیان‌های اجتماعی و ارزشی جامعه است (عزیزی، ١٣٨٦).

در کشورهای جهان سوم فقط به علوم فنی و پایه توجه میشه. اما در کشورهای اروپایی و آمریکا به علوم انسانی واقعاً اهمیت میدن. وقتی اون ها جامعه‌شناسی، رفتارشناسی و ... شون خوب باشه، میدونن با این جامعه چکار کنن. شاید آمریکایی‌ها جامعه‌ی ما و علایق مردم مون رو بیشتر از خودمون بشناسن. این مسائلیه که اون ها بهش اهمیت میدن.

۲. تنش‌های سیاسی

۲-۱- شرایط تحریم و ارتباطات محدود

مسائل امنیتی و مباحثی ازجمله تروریسم بر جریان‌های بین‌المللی و آموزش عالی بی‌تأثیر نبوده است. همین امر، عرصه را بر تعاملات علمی نیز تنگ نموده است. بنابراین، طبیعی است هنگامی‌که وضعیت اجتماعی و سیاسی حاضر در کشوری، انتظارات و نیازهای فرد را در سطح حداقل آن برآورده نسازد، جریان‌های بین‌المللی و اقامت دائم و بلندمدت صورت می‌گیرد و بازگشتی در کار نخواهد بود. حضور در جوامع بین‌المللی نیز بی‌ارتباط با این مسئله نیست.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مصاحبه‌شونده شماره ۳ در ارتباط با پیامدهای تحریم و محدودیت ارتباطات به نکته‌ی مهمی اشاره دارد:

نوعی گردشِ با تأمل بیشتر، که فرد پس از مدتی برگرده و فرار مغزها صورت نگیره، تا حدی طبیعیه. یعنی به بحث انتقال دانش، ثروت، آشنایی با جوامع مختلف بر میگرده. اما اگر بخواهیم جهت انتقال این پدیده به معادله‌ی پایاپای سوق داده بشه اقدامات و تسهیلات لازمه. در صورت تعامل دانش و فرهنگ، افراد خوبی‌های کشور خودشون رو بهتر درک میکنن و کم کم ایده آل‌ها به دنیای واقعی تبدیل میشن و آگاهانه تصمیم میگیرن. تا اینکه مقیاس صفر و یک رو تصور کنند. متأسفانه تحریم‌های اقتصادی و سیاسی مانع شده تا درک درستی از ایده آل‌ها شکل بگیره.

۲-۲- تضاد میان ایدئولوژی‌های فرد و جامعه به دلیل نبود آزادی بیان

آزادی‌های سیاسی در بسیاری از جوامع چندان مطرح نبوده و یا جنبه نمادین دارد. ارزش‌های اجتماعی نیز از ایدئولوژی‌های حاکم تبعیت می‌کند تا وضعیت موجود به نفع طبقه‌ی مسلط، حفظ شود. درواقع، طبقه‌ی حاکم سعی دارد با توزیع تفکرات مطلوب و موردنظر خود، مانع از آگاهی اکثریت، جهت پی بردن و حساسیت نسبت به نابرابری‌ها شود. به‌عبارتی‌دیگر، ایدئولوژی ابزاری است برای پنهان نمودن منافع کلان و منطقی جلوه دادن آن‌ها.

البته لازم به ذکر است که توجه به تکثر آرا در میان گروه‌های مختلف جامعه، تااندازه‌ای غیرممکن خواهد بود.

مصاحبه‌شونده شماره‌ی ۵، استدلال خود را دراین‌باره، چنین بیان می‌کند:

> مباحث اجتماعی و سیاسی در ایران خیلی بیشتر مطرحه. مثلاً شاید کسی در کشور خودش بر اساس دیدگاه‌های فردی‌ای که داره نمی تونه تحمل کنه، یعنی از وضعیت سیاسی کشورش راضی نیست. بعضی تغییرات خیلی راحت نیستن یعنی حالت ایدئولوژی داره. و فرد ترجیح میده که از کشورش بره. شاید تغییر مباحث اقتصادی تااندازه‌ای راحت‌تر از تغییرات سیاسی باشه (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

۲-۳- مسائل اخذ ویزا

تحلیل مسائل اخذ ویزا در ارتباط با شرایط تحریم و تنش‌های سیاسی است که محدودیت‌های پیوندی را موجب شده است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳، به پیامدهای آن، اشاره‌کرده است:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

آگه بخوایم فرار مغزها رو به مهاجرت تبدیل کنیم اقدامات و تسهیلات لازمه. مثلاً کسی که میخواد به کشوری بره، سرمایه شو بصورت غیر قانونی انتقال میده. اما دولت می تونه این هزینه رو خودش بگیره و این انتقالات، قانونی انجام بشه. این نوعی تسهیلاته که فرد فکر می کنه راحت بتونه رفت و آمد داشته باشه. ایران کشوریه که رفت‌وآمد مردمش با سایر کشورها کمتره یعنی ارتباطات مون به اندازه‌ی کافی نیست. و این باعث میشه اطلاعات مون از دنیای خارج کم بشه. و بهشتی رو تصور کنیم که هر چه زودتر باید بریم. اما به این صورت نیست که همه‌چیز اونجا خوب باشه و اینجا بد. همچین مقیاسی نیست. ولی به دلیل همین عدم شناخت، افراد به این وضعیت می رسن که اینجا به سمت صفر، اونجا به سمت صد حرکت می کنه. و وضعیت صفر و یک در ذهن افراد پیش میاد. و باعث فرار مغزها میشه. اما این مشکل چندین صدساله که وجود داره و شاید بخشی از اون به دوران صفویه بر میگرده که ایران به لحاظ مذهبی از کشورهای دیگه ایزوله میشه و این مقداری رفت‌وآمدش رو کم می کنه و بعد یک‌دفعه متوجه تمدن پیشرفته‌ای در اروپا میشن و همین باعث میشه نوعی مدینه‌ی فاضله نسبت به کشورهای اروپایی و آمریکا شکل بگیره (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

۳. استانداردهای اقتصادی

تقاضای اجتماعی روزافزون برای اشتغال، بعلاوه ی فقدان ساختار اقتصادی کشور برای ایجاد و توسعه‌ی ظرفیت‌های جدید شغلی در عرصه‌های تولید و خدمات؛ فقدان سیاست‌های کارآمد نیروی انسانی و نظام‌های ایستای آموزشی، منجر به ایجاد شرایط نامطلوب کاری و امکانات رفاهی ناکافی شده است. که به‌علاوه‌ی تفاوت ارزی با کشور میزبان، چشم‌انداز محدودی از شرایط اقتصادی را نیز ترسیم می‌کند. این امر، بی‌تأثیر از تحریم‌های ناشی از روابط سیاسی نیست که حضور تجاری و اقتصادی کشورها را کم‌رنگ ساخته است. درنتیجه، افراد به جست‌وجوی استانداردهای بهتر زندگی در کشورهای توسعه‌یافته برمی‌آیند.

مصاحبه‌شوندگان دراین‌باره چنین بیان می‌کنند:

۳-۱- شرایط و امکانات رفاهی ناکافی برای زندگی

فردی که درس میخونه و تلاش میکنه، درسته که یکی از اهدافش ممکنه خدمت به جامعه باشه، اما هرکسی به دنبال رفاه خودش هم هست. و انکار اون دروغه. تا حدودی شاید فرد در مقابل امکانات و شرایط زندگی مرفه مقاومت کنه اما کافیه در کشور خودش حداقلِ این

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

نیازهای رفاهی براش فراهم نشه. یواش‌یواش سست میشه و فرار مغزها اتفاق می افته (مصاحبه‌شونده شماره ٤).

۳-۲- شرایط کاری نامطلوب

تنش‌های سیاسی تا حدودی نقش دارن. البته این طبیعیه که مردمان کشورهای دیگه دوست داشته باشن به کشورهای پیشرفته برن. این به تمایل طبیعیه و باعلاقه به کشور مادری، تناقض نداره. و این خاص ایران نیست. ولی مقداری مسائل اقتصادی و کاری باعث میشه وقتی از ایران کسی خارج میشه، و همه‌چیز رو خوب ببینه. هر چند رفتن به خاطر کار و وضعیت بهتره حق اون فرده. اما این‌رو هم باید در نظر داشت که در کشور خودشه که می تونه شهروند درجه یک باشه و خیلی مسائل رو درک و حل کنه (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

۳-۳- کاهش شدید ارزش پول ملی

کاهش ارزش پول رایج در کشورهای توسعه‌نیافته و درحال‌توسعه، می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. ازجمله این علل می‌توان به سیاست‌های پولی، مالی و اقتصادی غیر کارآمد، تنش‌آفرینی در روابط بین‌المللی و عدم توجه به میثاق‌ها و قوانین بین‌المللی و درنهایت شکل‌گیری یک نظام اقتصادی مبتنی بر رانت اشاره کرد. به‌هرحال کاهش شدید ارزش پولی ملی کشور به‌ویژه در سال‌های اخیر سبب شده تا ارزش سرمایه‌ها و درآمدهای افراد به‌شدت از دست برود و سطح برابری پول کشور در مقایسه با ارزهای معتبر بین‌المللی به پایین سطح ممکن خود برسد. طبیعی است که این امر هم به خروج سریع سرمایه‌های بخش خصوصی از کشور بیانجامد و هم به زمینه‌ای برای تسریع روند مهاجرت متخصصان کشور مبدل گردد.

٤. جوّ سازمانی غیر سازنده

تسهیلات کوتاه‌مدت و دوره‌ای؛ تصمیم‌گیری بر اساس قومیت و رابطه؛ عدم هماهنگی و پیوستگی سیستماتیک در محیط کاری؛ و نبود اعتماد و مسئولیت‌پذیری سازمانی، مانع از پویایی افراد در سازمان می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، چنین مسائلی سلامت سازمان را به خطر می‌اندازد؛ عدم رضایت شغلی را به همراه خواهد داشت و فرصت‌های توسعه‌ی حرفه‌ای را در سازمان از بین می‌برد. امروزه بسیاری از کشورها در جهان صنعتی به این بلوغ رسیده‌اند که بی‌اعتنایی به مسائل اخلاقی و فرار از تعهدات اجتماعی به از بین رفتن سازمان‌ها و نیروی سازمانی منجر خواهد شد.

٤-۱- عدم هماهنگی و پیوستگی (سیستماتیک) در محیط کاری

مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱ بابیان تجربه خود از تحصیل در کشور انگلستان، به مؤلفه‌های فرعی ۱ و ۲ اشاره دارد:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

اون ها شرایطی رو برای فرد نخبه قائل میشن که مستمره. و هر چه جلوتر میره، شرایط کاری بهتر و بهتر میشه. بخصوص انگلیس که جوّش بصورتیه که احترام و عزت در اون وجود داره که به موقعیت فرد در سازمان بستگی نداره. کسی که کار خدماتی انجام میده با یه استاد یا مثلاً کارشناس گروه، مثل هم احترام دارن. و همدیگر رو با عناوین مثلاً "دکتر" صدا نمی زنن. در محیط کاری ایران، هماهنگی و پیوستگی وجود نداره. من روز اول در انگلستان، پاکتی رو دریافت کردم که حاوی تمام راهنمایی‌های لازم بود. تمام کارت‌های شناسایی و یوزر پسوردها برای استفاده از کتابخانه و ..... اما من اینجا به‌عنوان هیئت‌علمی، آمدوشدهای زیادی داشتم تا با سیستم اینجا آشنا شدم. چه برسه به یک دانشجو! سیستم در سازمان‌های اینجا شکل نگرفته، تیکه تیکه و اقماریه. و این بی‌نظمی میاره. این‌ها باعث سرخوردگی میشه و مثل یه شوک می مونه و باعث میشه اون فرد مجدداً برگرده (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

٤-۲- تسهیلات کوتاه‌مدت و دوره‌ای

طبیعیه که فرد تحصیل‌کرده، پس از مدتی علاقه‌مند بشه و تعلقاتی در اون ایجاد بشه و به‌تدریج خیلی از مسائل براش قابل‌هضم بشه. به نظر می رسه که رمز موفقیت کشورهای جذب‌کننده، اعتماد و پایبندی اونها به تسهیلات شون هست درحالی‌که خودمون در زیر اقیانوسی از دروغ زندگی می‌کنیم (مصاحبه‌شونده شماره ٤).

٤-۳- تصمیم‌گیری بر اساس رابطه و قومیت (تلفن کاری و آشنابازی)

برای یک فرد تحصیل‌کرده آنچه مطلوب نیست و اون رو اذیت میکنه، تبعیضه. منظورم از تبعیض، انتخاب بر اساس عدم شایستگیه؛ بر اساس رابطه، تلفن کاری، بر اساس قومیت. نبود عدالت در جذب دانشجویان، موجب بی انگیزگی و ترک وطن میشه (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

٤-٤- نبود اعتماد و مسئولیت‌پذیری سازمانی

از افراد تحصیل‌کرده انتظار مسئولیت‌پذیری بیشتری میره؛ مسئولیت‌پذیری نسبت به کشور خودش که با امکانات آن به مدارج بالا رسیده‌اند. به‌هرحال، برنگشتن و بی‌انگیزه شدن، میتونه دلایل شخصی خودش رو هم داشته باشه. درکل، من باکار کردن فرد در اونجا مخالفم نه با تحصیل و کسب تجربه (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مبانی نظری و تجربی مربوط به پدیده پویایی و مهاجرت دانشجویان و متخصصان کشورهای جهان سوم، مبین آن است که تحرک، جابجایی و نهایت مهاجرت متخصصان کشور به دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان یک پدید چندوجهی، متأثر از مجموعه‌ای از

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

عوامل است. در این پژوهش، یافته‌ها نشان داد آنچه موجبات مهاجرت را فراهم می‌نماید در ذیل عواملی چون نبود بسترهای مناسب و کافی تحقیقاتی، تنش‌های سیاسی، استانداردهای اقتصادی و جوّ سازمانی نمود می‌یابد. در این میان آماده نبودن بستر و شرایط فناورانه مناسب برای آموزش و انجام پروژه‌های تحقیقاتی، محدودیت حضور اساتید و پژوهشگران کشور در کنفرانس‌ها و مجامع علمی بین‌المللی و محدودیت اعطای فرصت مطالعاتی به اساتید دانشگاه به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی کشور و فقدان اعتبارات مالی کافی در مراکز دانشگاهی کشور و همچنین اعتبار و منزلت پایین پژوهشی به‌ویژه در علوم انسانی ناظر بر فقدان بسترها و ظرفیت‌های پژوهشی مناسب به‌عنوان یکی از عوامل دافعه متخصصان کشور است. طبعاً تأکید بر بعضی از خط‌مشی‌های سیاسی تنش‌زا در روابط با دیگر دول جهان سبب شده دامنه و شعاع تحریم‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور را نیز در بربگیرد. این امر سبب شده است علاوه بر محدود شدن دسترسی اساتید و پژوهشگران کشور به منابع علمی و فنی موردنیاز، روابط علمی میان پژوهشگران کشور با متخصصان دیگر کشورها نیز محدودشده و بسیاری از همکاری‌های دوجانبه علمی به حالت تعلیق درآید. مضافاً بسیاری از مجلات علمی معتبر از پذیرش و چاپ مقالات نویسندگان ایرانی امتناع نماید. بدیهی است که سخت‌تر شدن ضوابط صدور روادید برای متخصصان ایرانی از پیامدهای طبیعی این چالش است.

از سوی دیگر مقایسه وضعیت معیشتی و اقتصادی و میزان دریافتی اساتید و متخصصان کشور با نورم متعارف بین‌المللی نشان از شکاف قابل‌ملاحظه دراین‌ارتباط است. به‌عبارت‌دیگر بالاترین میزان حقوق و دستمزد اساتید کشور بسیار پایین‌تر از شرایط مشابه در دیگر کشورها است. این در حالی است که هزینه‌های زندگی در کشور در بیشتر موارد اگر فراتر از کشورهای پیشرفته نباشد کمتر از آن نیست. به این مورد باید تفاوت فاحش میان ارزش پول ملی (ریال) را با دیگر ارزهای معتبر اضافه نمود که با بحران‌های اقتصادی اخیر در کشور به کمتر از یک‌سوم ارزش خود تنزل نموده است. نتیجه طبیعی این چالش به بدتر شده شرایط اقتصادی، رفاهی و معیشتی اساتید کشور انجامیده و همسو با دیگر عوامل میل خروج از کشور را سرمایه‌های انسانی کشور تشدید نموده است. از بعد فرهنگی و سازمانی نیز کاهش دامنه آزادی آکادمیک و استقلال علمی اساتید و کمرنگ شدن فضای نقد و انتقاد در فضای دانشگاهی از طرفی و حاکمیت یک جوسازمانی بسته، غیر سازنده، تحقیرآمیز و غیرعادلانه در فرایندهای مختلف حرفه‌ای و شغلی و اعمال استانداردهای چندگانه در برخورد با افراد با

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

پیش‌زمینه‌های مختلف مذهبی، نژادی (قومی) و حتی سیاسی از طرف دیگر سبب شده تا تلقی افراد از سازوکارهای ناسالم تصمیم‌گیری و عوامل غیرموجه و اثرگذار بر تصمیمات سازمانی دانشگاه، آن‌ها هرچه بیشتر به خروج تحریض نماید.

با استناد بر تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تعهدات و تعلقات اجتماعی (تعهدات اخلاقی به خانواده و دوستان، حس میهن‌پرستی)، مشخصه‌های فرهنگی و جمعیتی کشور میزبان (تنوع نژادی و بعضاً نژادپرستی به دلیل سابقه طولانی مهاجرپذیری آن‌ها)؛ و علایق فردی (رضایت درونی) عواملی بودند که تصمیم به بازگشت را در آن‌ها ایجاد می‌نمود. لذا آنان بر این باور بودند ازآنجاکه پیوندهای علمی و دانشگاهی با توجه به شرایط تحریم در ایران بسیار محدود است، بهتر است که از چنین تنش‌های سیاسی‌ای کاسته و به سمت روابط پایاپای و میزبانی ایران از شرکت‌های بین‌المللی حرکت شود؛ روند مهاجرت با تسهیل اخذ ویزا و انتقالات قانونی سرمایه و افراد متخصص، روند متقابل پیداکرده و نیازسنجی‌های مستمری به‌منظور حفظ استعدادها، همواره به عمل آید.

به‌هرحال جوامع درحال‌توسعه همواره گرفتار تشدید خروج و مهاجرت نیروهای زبده، خلاق و متخصص خود بوده‌اند. ازجمله زمینه‌هایی که به تشدید این زمینه دامن می‌زند وجود فرصت ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی است که در قالب آموزش عالی فرا–مرزی قابل‌طرح است. هرچند امکان ادامه تحصیل در مراکز دانشگاهی معتبر در کشورهای توسعه‌یافته نه‌تنها فی‌نفسه امر نامطلوبی نیست بلکه به تشریک‌مساعی میان پژوهشگران و اندیشمندان جوامع مختلف و همچنین به تقویت امکان انتقال دانش و فناوری روز به کشور نیز می‌انجامد؛ اما شواهد از روند بازگشت نیروهای زبده و متخصص کشور نشان می‌دهد که مقوله آموزش عالی فرا–مرزی به عمل خروج دائمی متخصصان و نیروهای انسانی برجسته کشور مبدل شده است. با این تفاسیر تا زمانی که دولت‌های کشورهای درحال‌توسعه، نتوانند عوامل جاذبه و دافعه مؤثر بر مهاجرت و متخصصان را به‌خوبی تحلیل کنند و استراتژی‌های مناسبی را برای معکوس کردن این روند اتخاذ نکنند، در عمل با شکست مواجه شده و آن‌گونه که انتظار دارند بازگشتی در کار نخواهد بود و یا سیر بازگشت سرمایه‌های انسانی به داخل کشور از یک‌روند منطقی تبعیت نخواهد کرد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فهرست منابع:

ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸٦). فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده درزمینه‌ی جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آن‌ها، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۳.

قانعی راد، محمدامین و موسوی، آرش (۱۳۸۷). نظریه‌های دانش و ویژگی‌های ساختاری ایران، *سیاست علم و فناوری*، سال اول، شماره ٤، صص ۷۲-۵۹.

طایفی، علی (۱۳۸۰). بررسی علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن، ویراست ۱، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

عزیزی، نعمت اله (۱۳۸٦). درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران، با تأکید بر علوم انسانی. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

Altbach, P.G **&** Knight, J. (2007). The internationalization of higher education: motivations & realities. *Journal of studies in international education*: sage publication.

Creswell J. w. (2009).Research Design: Qualitative, Quantitative & mixed method approaches (third edition).Sage publications London: New Delhi.

Creswell J. w. (2012).Educational research: planning, conducting and evaluatingquantitative and qualitative research. (Fourth edition). Pearson. Boston.

Donoghue, T, O and Punch, K. (2003).Qualitative educational research in action.Simultaneously published in the USA and Canada: RoutledgeFalmer.

Dawood, I. (2008). A New Look at Egypt's Brain Drain within AUC (American University in Cairo).

Gavazi, A. Ghahremani, M.R. Alikhani, P. (2011). Higher education in the world knowledge exchange: formatting organizational models. *Intellect base international consortium*. Las Vegas (USA), 324-327.

Maclean, R.Pavlova, M. (2011).Skills development for employability (TVET) in higher education: issues and challenges, *Journal of Asian Public Policy*, 4(3), 321-330.Routledge press.

Hatch, J. A. (2002). Doing qualitative research in education settings.Stat university of New York at Albany.

Marshall, C, and Rossman, G.B. (1999).Designing qualitative research (3 editions). Thousand Oaks, CA: Sage.

Maxwell, J. A. (1996). Qualitative research design: an interactive approach. Thousand oaks, CA: sage.

Odhiambo, G. (2011). Higher education quality in Kenya: a critical reflection of key challenges, *Quality in Higher Education*, 17(3), 299-315.

Okoli, N. (2013). Issues and Challenges in Cross-Border in Higher Education: The Sub-Saharan (SSA) Experience. *American Journal of Educational Research*, 1(1), 12-16

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

Rizvi, F. (2009). Rethinking "Brain Drain" in the Era of Globalisation, *Asia Pacific Journal of Education* ,25(2), 175-192.

Tebeje, A. (2007). Brain drain and capacity building in Africa. *The international development research centre*.*15 Apr. <http://www.idrc.ca/en/ev-71249-201-1-DO_TOPIC.html>*.

The OECD (organization for economic co-operation and development) Policy Briefs. (2008),*OECD.org/edu/internationalization.*

-------. (2008).Higher education looking forward: An agenda for future research. European Science Foundation (ESF).*www.esf.org*

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]